



فیلسوف فردی است که حب حکمت دارد / فلسفه تفکر درباره فکر است

مجتهدی گفت: فلسفه معقول‌ثانی است. به عبارت دیگر، فلسفه تفکر درباره فکر است و الزاماً خود فکر به فلسفه تعبیر و معنی نمی‌شود.

مجتهدی گفت: فلسفه معقول ثانی است. به عبارت دیگر، فلسفه تفکر درباره فکر است و الزاماً خود فکر به فلسفه تعبیر و معنی نمی‌شود.

به گزارش خیرگزاری مهر، مراسم رونمایی از کتاب «فلسفه و ادبیات» نوشته کریم مجتهدی؛ با حضور جمعی از اساتید حوزه علوم انسانی به تاریخ ۰۳/۰۴/۹۸ در تالار حکمت پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد.

کریم مجتهدی؛ (برگزیده جایزه علامه طباطبایی) و استاد برجسته فلسفه دانشگاه تهران، چهره ماندگار و از مفاخر فرهنگی که در سال ۱۳۸۹ در جشننامه فارابی موفق به اخذ نشان طلای ابن سینا شده است، در رونمایی کتاب فلسفه و ادبیات، ضمن اشاره به نقش فلسفه در ایجاد حوزه های میان رشته ای، گفت: هر ادیبی می تواند خود را نوعی فیلسوف بداند اما هر فیلسوفی الزاماً مدعی ذوق و سبک ادبی نمی تواند باشد.

کریم مجتهدی؛ با اشاره به ویژگی های کتاب فلسفه و ادبیات، گفت: فلسفه همواره در جستجوی راهی برای برقراری ارتباط با دیگر رشته ها می باشد و می تواند مصداق عینی از همکاری رشته های مختلف با یکدیگر باشد که البته در بعضی موارد، الزاماً فلسفه در این راه موفق نمی شود.

وی افزود: بسیاری از ادیبان و رمان نویسان مطرح جهان مطالعات فلسفی داشته اند چراکه این مهم سبب تعمق بیشتر در شخصیت پردازی و روانشناسی شخصیت های داستانهای آنها می شده است.

مجتهدی ادامه داد: رابطه ادبیات و فلسفه از لحاظ منطقی بر حسب نسبتهای چهارگانه می تواند شکل بگیرد؛ آن دو با یکدیگر رابطه تطابق ندارند، یعنی هر آنچه در فلسفه است الزاماً در ادبیات، نیست؛ رابطه آنها از نوع تباین کامل نیز نمی باشد؛ به این معنی که این دو، از هم مجزا هستند و هیچ ارتباط قطعی واحد با یکدیگر ندارند. گونه سوم عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی یکی از آنها به تمامه آن دیگری را در برمی گیرد و یا این رابطه از نوع عموم و خصوص من وجه، یعنی آن دو از هم متمایزاند، ولی در ناحیه خاصی می توانند با هم مطابقت کنند.

وی افزود: در نسبت عموم و خصوص من وجه دو دایره فرض می شود که در نقطه خاصی اشتراک دارند اما در نقاط بسیار دیگری از هم متمایزاند. به عبارت دیگر، مانند دو دایره ای که قسمتی از آنها بر هم منطبق شده که آن دو در قسمت کوچک مشترک با هم ادغام شده اند، ولی در هر صورت وجه مشترک و وجه تمایز از هم تفکیک شده اند.

وی ادامه داد: در نگاهی منصفانه می توان ادعا کرد که ادبیات نسبت به فلسفه عمومیت، کلیت و حتی قدمت بیشتری دارد؛ چرا که ادبیات به معنای ابتدایی حتی در بین جانداران دیگر نیز به چشم می خورد. مثل این تک بیت سنایی؛ «توحیدگوی او نه بنی آدم اند و بس / هر بلبللی که زمزمه بر شاخسار کرد».

مجتهدی ادامه با بیان اینکه ادبیات قدمت دارد چون ذوق قدمت دارد، تصریح کرد: ریشه های ادبیات را می توان در هر قوم و منطقه ای به خوبی دید اما فلسفه هرگز تا این حد عمومیت نداشته است. می توان گفت ادبیات نسبت به فلسفه عاملتر، گسترده تر و قدیمی تر است.

استاد برجسته فلسفه با تأکید بر اینکه فیلسوف فردی است که حب حکمت دارد، یادآور شد: ریشه فلسفه را می توان و باید در یونان جستجو کرد گرچه بسیاری اعتقاد دارند فلسفه به معنای واقعی کلمه در قرن های اخیر و با پیدایش تفکر انتقادی دوره کانت شکل گرفته است.

مجتهدی خاطر نشان کرد: فلسفه در هر صورت معقول ثانی است. به عبارت دیگر، فلسفه تفکر درباره فکر است و الزاماً خود فکر به فلسفه تعبیر و معنی نمی شود. در واقع، ذهن فیلسوف مقید است و می تواند فکر عمیق را تشخیص دهد اما ادبیات عمومی تر است و گاهی به بیان روزمره اکتفاء می کند. با این توضیح هر ادیبی می تواند خود را نوعی

فیلسوف بداند اما هر فیلسوفی الزاماً ادیب و صاحب ذوق ادبی نیست.

وی با بیان اینکه فلسفه یعنی پشتکار، تلاش، خواستن و بودن، ادامه داد: در کتاب فلسفه و ادبیات تلاش شده است که مطلب با نمونه و مثال بیان شوند نه اینکه کنه مطلب گفته شود و بعد برای اثبات آن به مثال‌ها مراجعه کنیم. در واقع این کتاب، به صورت تجربی و با روش استقرایی نوشته شده است، یعنی رابطه فلسفه و ادبیات با آوردن نمونه‌های عینی بیان داده شده است. به عنوان مثال در این کتاب نگاه فلسفی ابن سینا به عنوان بزرگترین فیلسوف ایران بر اساس حکایات تمثیلی او بیان می‌شود.

وی با اشاره به اینکه در این کتاب مسیر شناخت اروپاییان از فلسفه ارسطو در نظر گرفته شده است، تأکید کرد: کتاب فلسفه و ادبیات بیان می‌کند چرا در قرون ابتدایی، مردم غربی مسیحی از یونان تنها کتاب‌های اقلیدوس را می‌خواندند و بعدها افلاطون را مورد توجه قرار دادند؛ چون ارسطو جهان را «قدیم» می‌دانست اما با استفاده از افلاطون می‌توانستند سنت‌های دینی خود را بهتر اثبات کنند. در واقع نگاه افلاطون و سنت‌های نوافلاطونی تطابق بیشتری با سنت مسیحیان داشت و از ارسطو بیشتر به منطبق او توجه داشتند. البته در عصر جدید بیشتر فن شعر ارسطو مورد توجه قرار گرفت و شعرا و نویسندگان غربی خاصه ایتالیاییها و فرانسویان استفاده‌های زیادی از آن کردند. این برداشت غرب از فلسفه ارسطو و افلاطون بود.

مجتهدی در پایان یادآور شد: نحوه و چگونگی شناخت ارسطو در مسیر تاریخ، تأثیرات بسیاری بر ادبیات اروپاییان داشته است.

لازم به ذکر است، در این مراسم جمعی از اساتید علوم انسانی مانند ژاله کهنمویی؛ زهرا مبلغ؛ فاطمه مینایی؛ زینب عرفت پور؛ روح‌الله کریمی؛ جان‌الله کریمی مطهر؛ محمدمنصور هاشمی و شکوه السادات حسینی، حضور داشتند و هر یک مطابق برنامه‌ای که برای آن جلسه آماده شده بود، در زمینه‌های تخصصی خود، مطالبی را عنوان کردند.